معرفی «الخرائج و الجرائح» در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی ـ
محمدرضا رسولی راوندی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال چهاردهم، شماره ۵۶ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز۱۳۹۶، ص۲۶-۴۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

معرفی «الخرائج و الجرائح» در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی

محمدرضا رسولی راوندی*

چکیده: با توجه به نیازهای زمانه، محدّثان گونه‌های مختلفی از کتب روایی در ادوار تاریخی نگاشتند. جوامع حدیثی از انواع کتبی است که بسیاری از علماء در طول تاریخ نوشته‌اند. آنان گاه درصدد جمع مطلق احادیث معصومین علیهم‌السلام بوده‌اند و گاه تنها در موضوع خاصی به گردآوری حدیث پرداخته‌اند که خود باعث به وجود آمدن جوامع مطلق و نسبی حدیث شده‌اند. کتاب «الخرائج و الجرائح» نوشته علامه سعید بن هبة الله معروف به قطب راوندی (م۵۷۶) از جمله جوامع نسبی است که مؤلف سعی کرده معجزات و کرامات پیامبر گرامی اسلام و اوصیای ایشان را در این کتاب گرد آورد و از منظر سنت، حقانیت نبوت و امامت معصومان علیهم‌السلام را ثابت کند. این کتاب با نظم و دقت تألیف شده که شامل یک مقدمه و بیست باب در موضوعات مختلف و متنوع می‌باشد. در این مقاله از منظر اصول حاکم بر جوامع روایی، معرفی و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: جامع‌روایی، اصول، الخرائج و الجرائح، معجزه، معصومان علیهم‌السلام، قطب راوندی.

*. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران mr.rasuli66@gmial.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

مقدمه

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله معارف اسلامی را از دو طریق به جامعه بشری منتقل کردند؛ یکی کتاب و دیگری سنت. کتاب یعنی مجموعه‌ای از الفاظ و معانی آن که خداوند، به عنوان معجزه و کلام جاودان برای جامعه انسانی فرستاده است و سنت به معنای سخن، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است. (صدر، ص ۸۵) بنابراین حدیث در کنار قرآن، از منابع مهم شناخت و فهم دین به حساب می‌آید. به همین دلیل محدثان مسلمان عنایت ویژه‌ای به حدیث مبذول داشته و آن را از زوایای مختلفی بررسی کرده‌اند. در حقیقت، با گذشت زمان و نیاز هر چه بیشتر به سنت در جهت تبیین احکام شرعی، و نیز با توجه به نیاز دوره‌های گوناگون به انواع کتب حدیثی، محدثان به جمع‌آوری احادیث متفرقه، ترتیب، تنسیق و مجموعه ساختن آن با سلایق مختلف پرداختند. در این میان، برخی از کتب محدثان مسلمان به دلیل اشتمال بر روایات بسیار، نوع احادیث، اهمیت و نیز وثاقت مؤلفان آن، اشتهار بسیاری یافت.

جامع حدیث یکی از انواع این کتب است که انواع روایات دینی به شکل مطلق یا نسبی را – با صرف نظر از نحوه چینش یا تدوین روایات می‌باشد. (نک: معارف، مباحثی در تایخ حدیث، ص ۶۷-۷۰) کتاب «الخرائج و الجرائح» راوندی یکی از انواع جوامع حدیثی است که این نوشتار، در صدد معرفی آن در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی می‌باشد.[۱]

۱- آشنایی با مؤلف و دوره کتاب

قطب‌الدین ابوالحسین سعید (سعد) بن هبة الله راوندی(متوفای۵۷۳) از علمای

۱. لازم به ذکر است ایده و ساختار این مقاله مأخوذ از تقریرات دکتر مجید معارف در واحد درسی "بررسی جوامع حدیثی کهن و متأخر اهل سنت" بوده و از برخی بیانات کلی وی نیز در این نوشتاراستفاده شده است.

بزرگ شیعه به شمار می‌رود که منسوب به راوند، منطقه‌ای نزدیک به کاشان (افندی، به نقل از شیخ بهایی، تعلیقة امل الآمل، ص ۱۵۵) است. وی در دورانی می‌زیست که با مشکلات سیاسی داخلی (شدت عمل و سختگیری حاکمان سلجوقی)، و خارجی (وقوع جنگهای صلیبی و تاراج گنجینه‌های علمی جهان اسلام)، طبیعی (قحطی حاکم بر ایران) و.. (لمبتون، ص ۱۰) مواجه بود، اما با تلاش بی‌وقفه در جهت کسب و اشاعهٔ علوم اسلامی توانست به یکی از چهره‌های درخشان این دوره تبدیل شود.

ابن شهرآشوب از وی با القابی چون عالم، متبحر، مفسر، فقیه، محدث، محقق (ابن شهرآشوب، ص ۱۵) یاد می‌کند. میرزا عبدالله افندی نیز او را چنین ستوده است: شیخ، امام، فاضل، فقیه، متبحر، محدث، مفسر، متکلم و شاعر. (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۱۹) وی در بسیاری از علوم صاحب نظر بوده، به طوری که عبدالله افندی به نقل از ابن طاووس می‌گوید: وی را در علوم زیادی عالم یافتم. (همان، ج ۲، ص۴۳۲) قطب راوندی شماری از عالِمان حدیث نقل می‌کند مانند: امین الاسلام طبرسی، عماد الدین طبری، محمد بن مرزبان و... همچنین عالمانی از وی حدیث نقل کرده‌اند؛ مانند: احمد بن علی بن عبدالجبار طوسی، ابن شهر آشوب مازندرانی، شیخ منتجب الدین رازی و... (نک: سبحانی، ج ۶، ص ۱۱۱-۱۱۲)

تألیفات وی را بیش از پنجاه (سبحانی، ج ۶، ص۱۱۲) و تا شصت و دو اثر نام برده‌اند (نک: طباطبایی، ص ۹-۳۷)، به طوری که اثر نبوغ و استعداد ذاتی وی را به آسانی می‌توان در تألیفات ایشان مشاهده کرد. در اینجا مجال برشمردن و توضیح هر یک نیست، لذا فقط چند اثر وی نام برده می‌شود: فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، الخرائج و الجرائح فی المعجزات [کتاب مورد بحث]، خلاصة التفاسیر، تهافت الفلاسفه، شرح النهایه شیخ طوسی، قصص الانبیاء، و..

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

(نک: منتجب الدین، ص ۶۸، خویی، ج ۹، ص ۹۷ به نقل از منتجب الدین)

معاجم متأخر رجال شیعی، وی را فردی عین، صالح و ثقه شناسانده‌اند. (نک: منتجب‌الدین، همانجا، اردبیلی، ج ۱، ص ۳۶۴) وی به سال ۵۷۳ ق درگذشت، و در قم [در جوار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه – سلام الله علیها–] دفن شد. (ابن شهر آشوب، همان، ص ۱۶؛ آقابزرگ، ج ۲، ص ۲۳۴) محلّ دفن وی، در صحن حضرت معصومه، امروز کاملاً مشخص و آشکار است.

۲- نوع و موضوع جامع حدیثی

این اثر، معجزات و دلائل مربوط به نبوت پیامبرﷺ و امامت ائمه اطهارعلیهم‌السلام را با هدف حقانیت آنان، از نقطه نظر حدیث[۱] اثبات می‌کند، لذا از نوع جوامع نسبی حدیث به شمار می‌آید.

۳- نام جامع حدیثی و مبنای آن

به طور کلی کتابهایی که در زمینهٔ حدیث و تفسیر تألیف می‌شوند، از دو الگوی نام‌گذاری تبعیت می‌کنند:

الف) نام‌های نوعی که بر نوعی از کتب اطلاق می‌شود مانند: سنن، معاجم، مسانید و ...

ب) نام‌های معرفه چون: مجمع البیان فی تفسیر القرآن طبرسی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور سیوطی و.. که گاه به تصریح مؤلف است و گاه ناشی از برداشت‌های دیگران.[۲]

اما در انتخاب نام «الخرائج و الجرائح» مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید:

۱. لازم به ذکر است که مباحث کلامی نیز در این کتاب به چشم می‌خورد که البته در مقایسه با میزان اخراج روایات معصومانعلیهم‌السلام، از حجم بسیار کمی برخوردار است.

۲. (برای اطلاع بیشتر نک: معارف، همان، فصل سیزده).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

«سمیته بکتاب الخرائج و الجرائح[1] لأن معجزاتهم التی خرجت علی أیدیهم مصححة لدعاویهم لأنها تکسب المدعی و من ظهرت علی یده صدق قوله» (راوندی، مقدمه ج ۱، ص ۱۹)؛ چون این معجزات از دست آن‌ها (پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام) صادر و خارج شده است، پس نام الخرائج بر آن نهادم و چون ثمره و دستاورد این معجزات، اثبات صداقت انجام دهنده آن در ادعای خویش است و در حقیقت اثبات راستگویی آن‌ها در دستاورد این معجزات است، آن را الجرائح [دستاوردها] نامیدم.

۴- انگیزه تألیف کتاب

به طور طبیعی، تألیف جوامع حدیثی، مدت زیادی از عمر مؤلف را در بر می‌گیرد که طبعاً پیرو یک انگیزه و نیازی بر اساس شرایط حاکم بر عصر مؤلف است. جامع حدیثی «الخرائج و الجرائح» نیز از این امر مستثنی نیست، به طوری که مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید:

«فإن قوما من الذین أقرّوا بظاهرهم بالنبوات، جحدوا فی الإمامة کون المعجزات فضاهوا الفلاسفة و البراهمة[2] الجاحدین فی النبوة الأعلام الباهرات، فدعاواهم جمیعا باطلة فاضحة، إذ الأدلة علی صحّة جمیع ذلك واضحة» (مقدمه ج ۱، ص ۱۷)؛ عده‌ای که در ظاهر، معجزه انبیاء را قبول دارند، ولی معجزه امامت را انکار می‌کنند، اینها شبیه فلاسفه و براهمه هستند که نبوت را انکار می‌کنند. تمام ادعاهای آنان باطل است، و دلیل بر درستی تمام این معجزات، واضح است.

۱. «جرح» و مشتقات آن در لغت به معانی چندی از جمله زخم بدنی، زبانی و کسب و اکتساب به کار رفته است. (ابن منظور، ج ۲، ص ۴۲۲) در قرآن نیز «جَرح و اجتراح» به معنای اکتساب به کار رفته است. (انعام (٦) /٦٠، جاثیه (٤٥) / ٢١)

۲. محمدبن عبدالکریم شهرستانی که در زمانی نزدیک به قطب راوندی می‌زیسته، می‌گوید: براهمه قومی هستند که در بلاد هند ساکن هستند و مسأله «نبوت» را از ریشه و رأس باطل می‌دانند. (نک: شهرستانی، ص ۳۷۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

در حقیقت، قطب الدین راوندی دید که بعضی فرق آن زمان، معجزه و علائم روشنی را که بر امر امامت دلالت داشت انکار می‌کردند، (که گویی نبوت را انکار می‌کنند). لذا بر آن شد تا با گردآوری احادیث موجود در این زمینه و تألیف و تدوین آن در کتابی واحد، تمامی مدّعاهای مخالفان را از حیّز اعتبار ساقط کرده و مذهب و عقائد شیعه را نشان دهد. از این رو کتاب، رنگ و بویی کلامی به خود گرفته است.

۵- ساختار و اجزای جامع حدیثی الخرائج و الجرائح

این جامع حدیثی، بر اساس الگوی شخص محور تنظیم شده که مؤلف در بیست باب آن را تنظیم کرده است؛ وی مقدمه‌ای کوتاه در بیان امکان وقوع معجزه و کرامت از انبیاء و اوصیای آنان، در سیزده باب آورده، آنگاه احادیثی مربوط به معجزات نبی اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر می‌کند، باب چهاردهم کتاب، در نشانه‌ها و علامتهای پیامبر و ائمه علیهم‌السلام است که چهارده فصل دارد. باب پانزدهم را به دلائل و براهین بر امامت دوازده امام معصوم علیهم‌السلام اختصاص می‌دهد. وی در باب شانزده از کتاب خویش، معجزات شگفت‌انگیز و کم نظیر پیامبر و ائمه علیهم‌السلام را آورده و در باب هفده به گردآوری احادیثی پرداخته که در مقایسه معجزات پیامبر و ائمه و معجزات پیامبران پیشین، ذکر شده است. قطب الدین راوندی در باب هجدهم از ام المعجزات قرآن کریم و مباحث مربوط به آن بحث کرده و در باب نوزده، در فرق بین حیله و معجزه مباحثی مطرح نموده و در نهایت در باب بیستم در نشانه‌ها و مرتبه‌های خارق العاده ائمه علیهم‌السلام احادیثی آورده است.

چاپ جدید کتاب در سه جلد تنظیم شده است: جلد اول کتاب، سیزده باب و ۵۵۸ روایت، جلد دوم تا باب هفده شامل ۵۱۷ روایت و جلد سوم باب هجده تا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

بیست که ۸۵ روایت را در بر می‌گیرد. در پایان هر باب، فهرست مطالب ذکر شده است. در مجموع تعداد کل روایات کتاب حدود ۱۱۶۰ روایت می‌شود.[1]

تخصیص هر باب به موضوع جداگانه و نیز تقسیم آن به بخش‌های مجزا و مربوط به هر یک از ائمه اطهار علیهم‌السلام، نظمی بی‌نظیر و خاصی به این کتاب داده به طوری که دسترسی به مطالب کتاب را بسیار آسان‌تر از دیگر کتب مشابه کرده است. ترتیب زمانی روایات نیز از این مسأله مستثنی نیست، به طوری که مؤلف ذیل هر بخش مربوطه ابتدا روایات و حوادث اعجاز گونهٔ مربوط به قبل از تولد امام، دوران کودکی و.. را زودتر ذکر می‌کند. به عنوان مثال در باب اول، معجزات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به چنین ترتیبی بیان می‌کند:

الف) معجزات قبل از بعثت که جنبهٔ آماده‌سازی و مقدمه‌چینی برای بعثت داشته است.

ب) معجزات پس از بعثت.

ج) دعاهای مستجاب آن حضرت.

د) معجزات پس از رحلت حضرت.

البته ضعف‌هایی چون عدم پیروی احادیث بعضی باب‌ها (۱۵و۱۷) از ترتیب خاص، عدم اشاره به عنوان بعضی ابواب[2] در فهرست اولیه و نیز تداخل روایات بعضی ابواب (نک: ج ۱، ص ۳۸، ۱۲۶، ۲۹۷) در کتاب به چشم می‌خورد.

۱. قابل ذکر است که یک سوم پایانی مجلد دو، شامل اخبار زیادی ذیل عنوان مربوطه است که البته روایاتی که مربوط به عنوان باب‌ها و در راستای اثبات نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامت ائمه علیهم‌السلام هستند، معدود شده‌اند. امری که در جلد سوم در بخش اعجاز قرآن نیز انجام شده است. به طور کلی روایات شمارش شده با توجه به موضوع کتاب، عناوین باب‌ها و هدف مؤلف می‌باشد.

۲. باب «معجزات محمد و اوصیای او از جهت اخلاق» (نک: ج ۲، ص ۸۸۳) اختصاص بابی به «علامات دلالت کننده بر حضرت صاحب الامر» و نیز بابی با نام علاماتی که قبل از قیام مهدی (عج) و همراه او هستند. (نک: ج۳، صص۱۱۱۳ و ۱۱۴۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

۶- رده‌بندی کتاب

یکی از مواردی که در بررسی یک جامع حدیثی مورد توجه قرار می‌گیرد، نحوهٔ طبقه‌بندی باب‌ها توسط مؤلف است که حکایت از آشفتگی یا نظم فکری مؤلف می‌کند. این رده‌بندی خود می‌تواند بر مبنا و الگوهای خاصی صورت گیرد و از اولویت و ارتباط بخش‌ها سخن گوید. مثلاً اگر الگوی کتاب شخص محور باشد، نحوهٔ چینش باب‌ها و عناوین می‌تواند بر اساس نظام الفبایی، تقدم سابقه در اسلام یا افضلیت افراد صورت پذیرد. در جوامع موضوع محور نیز ملاک‌های مختلفی مورد توجه بوده است، مانند علامه مجلسی که کتاب خود را در بیست و پنج باب به یک ترتیب خاص تنظیم کرده است. (نک: ج ۱، ص۷۹-۸۰)[۱]

اما قطب راوندی در جامع روایی «الخرائج و الجرائح» عناوین باب‌ها را به ترتیب ائمه معصوم علیهم‌السلام می‌آورد، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا امام عصر(عج). در حقیقت، مؤلف از ترتیب زمانی استفاده می‌کند، بجز احادیث مربوط به دو باب پانزده و شانزده که از ترتیب خاصی پیروی نمی‌کند. اما در مورد تبویب و ترتیب خود باب‌ها، نظر می‌رسد اگر مؤلف ابتدا باب مربوط به فرق معجزه با حیل و نیز باب اعجاز ام المعجزات قرآن مجید را ذکر می‌کرد، کتاب از نظم بهتری برخودار می‌شد.

۷- فعالیت مؤلف در ساماندهی کتاب

ممکن است مؤلفان معاجم و کتب‌روایی به جمع احادیث بسنده نکنند و در این راستا فعالیت‌های مختلفی چون توضیحات فقه‌الحدیثی، نقدالحدیثی و.. را نیز مدّ نظر قرار داده و با سلایق خود، کتاب خویش را به صور مختلف تدوین کنند.

---

۱. البته طبق بعضی تقسیم‌بندی‌ها، ابواب کتاب شامل بیست و شش مجلد تنظیم شده و بابی موسوم به «المواعظ» دارد. (نک: شانه‌چی، ص ۱۷۹)

مؤلف «الخرائج و الجرائح» نیز ضمن تخریج روایت، به موارد و نکات دیگر نیز توجه داشته است. آوردن بخشی با عنوان فصل، قبل از ذکر روایات باب، جهت تفهیم صحیح مطلب و آشنا کردن ذهن مخاطب با موضوع (ج۱، ص ۲۲) و نیز بیانات تفسیری (ج ۱، ص ۷۴، ج ۲، ص ۸۷۱، ج ۳، ص ۱۰۷۸)، بیان مصداقی (ج ۱، ص۲۸۲)، توضیحات لغوی (ج ۲، ص ۵۴۷)، تقطیع حدیث (ج ۳، ص ۱۰۷۳ و ۱۰۸۱)، شواهد شعری (ج ۱، صص ۲۴۳ و ۲۶۷)، شرح کامل واقعه (ج ۱، ص۲۴۳)، روی آوردن به مباحث کلامی،[1] از جمله فعالیت‌های مؤلف ذیل روایات کتاب است.

۸- ملاک‌های مؤلف در انتخاب روایات و میزان موفقیت و وفاداری او در این راستا

ملاک مؤلف استقصای تام روایات معجزه ائمه علیهم‌السلام و دلائل و براهین آن نبوده، چه آن را خارج از حدّ شماره می‌داند. بلکه به برای آنکه کتاب، از حیث حجم برای مخاطب ملال‌آور نباشد، نیز کافی بودن همین مقدار برای وی، تعدادی قابل توجه در حد خود از روایات مربوطه را در کتاب خویش ذکر می‌کند. (نک: ذیل باب پانزده: ج ۲، ص ۷۹۱) وی همچنین در پایان باب پانزده می‌نویسد: «و قد کنت جمعت خمس مختصرات تتعلق بهذا الفن من العلوم فأضفتها إلی هذا الکتاب.» (نک: همانجا) این نشان می‌دهد که مؤلف، در پنج باب پایانی نیز همین روش را به کار گرفته است.

همچنین به منظور رعایت اختصار، در مورد روایاتی که با دیگر باب‌ها هم پوشانی دارد، فقط به ذکر قسمت مورد نیاز بسنده کرده و کل روایت را ذکر نمی‌کند. (نک: ج ۳، صص۱۰۷۳و ۱۰۸۱) در مورد میزان اعتبار حدیث نزد مؤلف باید

۱. با توجه به هدف مؤلف در تدوین کتاب، وی به ناچار در بعضی قسمت‌های کتاب به دفع شبهات وارده حول موضوع مربوطه می‌پردازد، مانند آن جا که وارد بحث کلامی با فرقه خرمیه شده و به ابطال عقیده آنان می‌پردازد که گفته‌اند پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز انبیای متعددی وجود دارند. (نک: ج ۲، ص ۸۷۵-۸۸۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

گفت، بیشترین توجّه او به دقت و امانت در ذکر اهداف روایات بوده است. از این رو، از ذکر مقدمات حدیثی، یا آوردن دیگر احادیث حاشیه‌ای مربوط به تبیان معجزات و مسائل مربوط به آن و... پرهیز می‌کند، لذا بقای بر ذکر ماده حدیثی در رأس ملاک‌های وی بوده است. (نک: مقدمه محقق، ج ۱، ص ۸-۹) اما آنچه بسیار چشمگیر است، میزان تسلط مؤلف به اسلوب ادبی، سلاست الفاظ، دقت در تعابیر و قدرت اقناعی اوست که در بخش‌های گوناگون کتاب، قابل ملاحظه است.

۹- منابع کتاب و شیوه تدوین سند

عدم ذکر کامل سند و حتی ارائه منبع و مصدر اغلب روایات این کتاب، از جمله مواردی است که در اسناد این کتاب مشاهده می‌شود. در موارد اندکی مؤلف ادعای شهرت و تواتر برخی روایات را ذکر می‌کند. (نک: ج ۱، صص ۲۵، ۳۲ و ۲۰۱) با این وجود، مؤلف فقط در باب‌های ۱۶ و ۲۰ و برخی از قسمت‌های اندک دیگر، تمامی روایات را با ذکر سند کامل آورده است.

مؤلف ذیل باب ۱۶ (نوادر معجزات) می‌گوید:

«و قد کان الشیخ الصدوق سعد بن عبد الله بن أبی خلف الأشعری ذکرها فی کتاب البصائر و أوردها الشیخ الثقة محمد بن الحسن الصفار فی کتاب بصائر الدرجات، و کلاهما لم یکن غالیا و لا قالیا و قد کان الراوی لنا عنهم عالیا» (ج ۲، ص ۷۹۲)؛ در حقیقت وی این روایات را از کتاب «بصائرالدرجات» سعد بن عبدالله اشعری و بصائر الدرجات» محمد بن حسن صفار نقل می‌کند.

۱۰- بررسی (احراز) علمی کتاب

یکی از اصول مهم در بررسی کتب و جوامع حدیثی و غیر آن، احراز علمی نسبت کتابها به مؤلفان و وثاقت آنها است. این اصل هماره مورد مداقّهٔ محققان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

در اداوار مختلف تاریخی قرار گرفته و بعضاً موجبات وارد کردن تشکیک به مؤلف و یا مطالب کتاب را فراهم آورد است. ابتدا باید صحت انتساب کتاب به مؤلف ثابت شود تا هر گونه شک و تردید در مورد اینکه آیا کتاب به درستی به مؤلف واقعی‌اش انتساب یافته یا اشتباهاً به نام شخص دیگری معرفی شده و نیز شائبه جعل نام مؤلف از آن زدوده شود.

در اینکه مؤلف «الخرائج و الجرائح» کسی جز سعید بن هبة الله نیست، شکّی وجود ندارد، واقعیتی که علمای متأخر در کتب خویش بدان اعتراف کرده‌اند[۱] و تا به امروز ادعایی خلاف آن وجود نداشته است. مرحلهٔ دوم در احراز علمی یک کتاب به بررسی اتحاد یا اختلاف نسخ برمی‌گردد. بعض نسخ خطی «الخرائج و الجرائح» از این قرار است:

۱- نسخه کتابخانه آیت الله العظمی‌مرعشی نجفی، شماره۹۸۳، تاریخ استنساخ: ۱۰۹۲.

۲- نسخه کتابخانه شخصی آیت‌الله محی الدین مامقانی که بنا به تحقیق محققان مؤسسه امام مهدی (عج) که کتاب را تصحیح کرده‌اند، دقیق‌ترین و صحیح‌ترین نسخه خطی است.

۳- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴- نسخه کتابخانه عمومی مشهد مقدس، شماره ۱۶۷۷، تاریخ استنساخ: ۹۸۵.

۵- نسخه کتابخانه عمومی مشهد مقدس، شماره ۱۶۷۸، بدون تاریخ.[۲]

---

۱. نک: بخش آشنایی با مؤلف در همین مقاله.

۲. برگرفته از گزارش مدنی بجستانی، ج ۱، ص ۵۹۹. موسسه امام مهدی (عج) از وجود نسخه ای در مدرسه فیضیه قم نیز خبر می‌دهد. (نک: مقدمه محقق، همانجا) شیخ آقابزرگ نیز از نسخه‌ای از این کتاب یاد می‌کند که با نسخه مطبوع تفاوت‌هایی داشته است. (ج ۷، ص ۱٤٥) سید عبدالعزیز طباطبایی ذیل معرفی این کتاب حدود ۱۳ نسخه خطی را به طور کامل آدرس می‌دهد. (نک: ص۱٦-۱۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

دو نسخه اخیر در اکثر مواضع اختلافی، متّفق‌اند و نقل شده که در بیاضات صفحه هم مانند یکدیگرند و بنابر این یا به عیناً از یک نسخه استنساخ شده‌اند یا یکی از دیگری گرفته شده است. (نک: مقدمه محقق، ج ۳، ۹۶۹) نسخ مذکور از افتادگی، تصحیف و اغلاط نوشتاری مصون نمانده‌اند، اما اگر موردی هم وجود داشته با مقابله و تصحیح علماء[۱] و موسسات تحقیقی،[۲] رفع شده و مجالی برای تشکیک در اعتبار مطالب کتاب وجود ندارد.

اعتبار علم الحدیثی روایات، از دیگر مواردی است که در میزان اعتبار علمی کتاب مؤثر است. ضابطهٔ رایج، روایات را با تقسیمات مصطلح الحدیثی (صحیح، حسن، موثق و ضعیف)[۳] می‌سنجد. اما از آنجا که بسیاری از احادیث این کتاب، با مسئله عدم ذکر کامل سند مواجه است، قضاوت صحیح و کامل در این باره به نظر متخصصان و اهل فن در این حوزه موکول است، که خود مجال بسیار گسترده‌تری می‌طلبد. برخی گفته‌اند: مرحوم قطب در نقل روایات کتاب «الخرائج و الجرائح»، از جماعتی از ثقات حدیث نقل می‌کند. (افندی، همان، ج ۲، ص ۴۳۴) میزان اثرپذیری علمای بعد از وی از احادیث این جامع نیز، اعتبار و صحت آن را نشان می‌دهد، که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱۱- وجه تمایز کتاب با آثار مشابه و جایگاه آن در آثار حدیثی

از جمله مواردی که به نوعی مکمل ملاک اعتبار علمی یک کتاب محسوب می‌شود، بررسی وجه تمایز کتاب با آثار مشابه خود و نیز جایگاه کتاب در تفکر و آثار علمای پسین است. بدین سان که هر چه کتاب از لحاظ علمی متقن‌تر،

---

۱. مانند تصحیح علامه مجلسی و آقای بهبودی نسبت به باب هجده (اعجاز قرآن). (نک: بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۸۷)

۲. موسسه امام مهدی (عج) در قم که کل کتاب را تصحیح کرده است. (نک: بخش پایانی مقاله)

۳. محدثین شیعه حدیث را به این چهار قسم تقسیم کرده‌اند. (نک: شهید ثانی، ص ۹-۱۲)

باشد میزان اشغال چنین جایگاهی برای کتاب نزد علماء نیز وسیع‌تر خواهد بود.

۱۱-۱- وجه تمایز

این مجموعه نسبت به مجموعه‌های حدیثی مشابه (مستقل و غیر مستقل) از چندین امتیاز برخوردار است:

الف) توانایی مؤلف در گردآوری انواع مختلفی از احادیث معجزات و توفیق وی در برقراری ارتباط بین موضوع معجزه و مسائل مربوط به آن مانند دلائل، براهین و مسائل کلامی.

ب) افزودن «خمس ملحقات» (پنج باب شانزده- بیست) به کتاب که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) کتاب نوادر المعجزات: که مؤلف از کتب «بصائرالدرجات» اشعری و صفار، احادیثی انتخاب کرده و به کتاب افزوده است.

۲) کتابی در مقایسه معجزات معصومان علیهم‌السلام با دیگر انبیاء.

۳) کتاب اعجاز ام المعجزات؛ قرآن مجید که در این باب، وجوه اعجاز قرآن و رد شبهات حول این موضوع با کلامی موجز و به دور از پیچیدگی و ابهام ذکر می‌شود.

۴) اختصاص بابی در فرق بین حیل و معجزه که با ذکر حقیقت، معجزه از غیر خود چون شعبده و مانند آن تمیز داده می‌شود.

۵) و در نهایت بابی در علامات و مراتب معصومان علیهم‌السلام، که به صورت مختصر بدان پرداخته می‌شود.[۱]

۱۱-۲- جایگاه کتاب در آثار علماء

کتاب «الخرائج و الجرائح» چشمه‌ای از چشمه‌های تراث اهل بیت عصمت و

۱. برگرفته از مقدمه محقق، نک: ج ۱، ص ۸-۱۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

طهارت علیهم‌السلام است که منبع و مصدر بسیاری از روایات کتب علمای پس از خود قرار گرفته است. بنابر سخن محقق در مقدمه کتاب[1] علمای ذیل به احادیث این کتاب اعتماد کرده‌اند:

إربلی در «کشف الغمّة»، شیخ زین الدین نباطی در «الصراط المستقیم»، شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعة» و «اثبات الهداة»، مجلسی در «بحار الأنوار»، شیخ عبدالله بحرانی در «عوالم العلوم»، سیّد هاشم بحرانی در «تفسیر البرهان»، «غایة المرام» و «مدینة المعاجز». و از علمای اهل تستن افرادی چون ابن صبّاغ مالکی در «الفصول المهمّة»، قندوزی در «ینابیع المودّة» و.. .

۱۲- مکتب فقهی- کلامی مؤلف

شناخت مکتب فقهی - کلامی علمای اعصار مختلف در شناخت رویکرد آنها نقش دارد. به عبارت دیگر، علماء و دانشمندان در ادوار تاریخ، وابسته به مکاتب گونه‌گون در زمان خود بوده‌اند. به عنوان مثال شیخ صدوق وابسته به مکتب فقهی- حدیثی شهر قم بود (رک: طوسی، ص ۲۳۷) و حتی در وصف حال پدر وی- علی بن حسین بن موسی- آمده که از بزرگان شیعه و سرآمد محدثان حوزه قم در عصر خود بوده است. (نجاشی، ص ۲۶۱) نیز در زمان شیخ الطائفه- محمد بن حسن طوسی- به دلیل منازعات میان شیعه و اهل سنت در بغداد (ابن جوزی، ج ۱، صص۱۷۳ و ۱۷۹)[2] مهمترین رشتهٔ مورد توجه همگان، رشتهٔ کلام و عقاید بود. بدین روی، شیخ وارد مکتب کلامی بغداد شده و نقش مثبت و وحدت بخش در رفع تناقضات علمی و اجتماعی ایفا کرد. (رک: معارف، تاریخ حدیث، ص ۳۵۲-۳۶۳)

با توجه به موضوع جامع‌روایی مورد بحث، جایگاهی برای سخن گفتن از فقه

۱. نک: ج ۱، ص ۱۱.

۲. در این مورد نیز نک: دوانی، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۱۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

معرفی «الخرائج و الجرائح» در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

و مشرب فقهی مؤلف وجود ندارد. اما در مورد مشرب کلامی وی باید گفت:[1] او در دانش کلام شاگرد قطب الدین ابو جعفر محمد بن علی بن الحسن المقریٔ النیشابوری بوده و طبعاً قطب راوندی از او بهره قوی برده است. همچنین وی پیروی شریف مرتضی نیز بوده و در دانش کلام مبانی بهشمیان را قبول داشته است؛ با این وصف در پاره‌ای از مسائل موضعی محتاطانه در این زمینه اتخاذ می‌کرده و به هر حال با آرای مکتب ابو الحسین بصری آشنایی داشته است. قطب الدین راوندی هم دقیقاً بر همین موضع بوده؛ او ضمن آنکه دقیقاً با مبانی مکتب بهشمی آشنایی داشته اما مبانی مکتب ابو الحسین را هم می‌شناخته و حتی تلاش می‌کرده در تعدادی از مهمترین مواضع اختلاف، موضعی فراتر از استادش در این زمینه اتخاذ کند و حد وسط را تا آنجا که امکان داشته اتخاذ کند. به هر طریق وی عملاً برخی باروهای کلامی مکتب ابوالحسین را پذیرفته بوده است. در مقام نتیجه باید گفت، علامه با مبانی هر دو مکتب آشنایی داشته و آن‌ها را پذیرفته و با توجه به اسناد موجود (به عنوان نمونه: نک: راوندی، منهاج البراعة، ج ۱، ص ۳۲-۴۹) سعی داشته حد وسطی بین مواضع این دو مکتب اختیار کند.

در رابطه با آثار کلامی علامه، باید گفت وی دست کم صاحب سه کتاب کلامی با نام‌های: جواهر الکلام فی شرح مقدمة الکلام، شرح الأبیات المشکلة فی التنزیه، تهافت الفلاسفة بوده است. (رک: اردبیلی، همانجا) علامه در پایان کتاب الخرائج و الجرائح خود چند رساله کوچک آورده که در برخی از آنها مباحث کلامی دیده می‌شود. مطرح کردن استدلال مخالفان و ردّ شبهات آن‌ها، خود بر این مطلب صحّه می‌گذارد، امری که از عناوین باب‌ها نیز کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه

۱. این قسمت با تصرف، مأخوذ از پایگاه اینترنتی بررسی‌های تاریخی، مقالات و نوشته‌های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام، به آدرس "http://ansari.kateban.com/post/2041" مکتوب به تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲، است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

وی در باب ۱۸ (در بحث از قرآن و اعجاز آن) زیر بخش‌های کتاب را با عناوینی چون «الصرفة و الاعتراض علیها و الجواب عنه»، «باب فی مطاعن المخالفین» آغاز می‌کند. نیز در باب ۱۹ (در فرق بین معجزه و حیل) عناوینی همچون «باب فی مطاعن المعجزات و جواباتها و ابطالها»، «باب فی مقالات المنکرین للنبوات أو الإمامات من قبل الله و جواباتها و ابطالها» به چشم می‌خورد.

وی رساله دیگری در رابطه با اختلافات میان شیخ مفید و شیخ مرتضی نیز دارد که در آن مباحث کلامی مطرح کرده است. البته لازم به ذکر است که برشمردن این آثار تنافی با وجود مباحث کلامی در دیگر آثار او ندارد.

۱۳- شکل‌گیری نهایی کتاب

شکل‌گیری و تدوین کامل کتاب در حیات مؤلف یا بعد از وفات وی، نیز می‌تواند به عنوان اصلی در شناخت و بررسی یک جامع روایی مورد بحث قرار گیرد، چه بر نوعی مدیریت مؤلف بر تنظیم نهایی کتاب دلالت می‌کند. در تاریخ، کتابهای بسیاری وجود داشته‌اند که مؤلفان آن‌ها به دلایل مختلفی چون بیماری، مرگ و... نتوانسته‌اند کتاب را تمام کنند و قبل از شکل‌گیری نهایی کتاب، درگذشته‌اند.[۱]

در مورد کتاب «الخرائج و الجرائح» باید گفت: مؤلف آن توانسته خود نسبت به تدوین و شکل‌گیری نهایی کتاب مدیریت زمانی داشته باشد و آن را تمام کند. وی در مقدمه خویش بر کتاب می‌نویسد:

«... و قد جمعت بعون الله سبحانه من ذلك جملة لا تكاد توجد مجموعة فی کتاب واحد لیستأنس بها الناظرون و ینتفع بها المؤمنون و سمیته بکتاب الخرائج و الجرائح... و

۱. مانند احمد بن حنبل که قبل از ترتیب و تهذیب نهایی مسند خویش، درگذشت و این کار به عهده فرزندش؛ عبدالله و شاگردش؛ ابوبکر قطیعی افتاد. (نک: معارف، همان، ص ۱۳۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

جعلته علی عشرین بابا.. .» (ج ۱، ص ۱۹)

۱۴- تحقیقات جانبی در مورد کتاب

یک جامع روایی ممکن است مورد تحقیقات گوناگون جانبی چون شرح، ترجمه، تفسیر، تعلیق و .. قرار بگیرد. به هر اندازه کتاب مورد نظر، جایگاه وسیع‌تری در نظام اندیشگی داشته باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یک کتاب ممکن است با توجه به ملاک‌های مختلفی چون اهمیت موضوع، نیاز عصر، قدمت، استقبال مخاطب، و دیگر انگیزه‌ها مورد شرح و تفسیر قرار گیرد.

بر این تألیف علامه قطب راوندی تاکنون شرح و تفسیری مرقوم نشده است. دلیل این امر را می‌توان در موضوع کتاب، هدف و نیز سبک نویسنده آن دانست. چرا که بداهت و قابل درک بودن موضوع و احادیث کتاب، سُلاست و بلاغت الفاظِ این جامع را از هر گونه شرح و توضیحی بی‌نیاز داشته است. بعلاوه مؤلف با توجّه تمامی جوانب مربوطه، مقابل منکرین و مخالفین ایستاده و شبهات آن‌ها را رد کرده و از حریم شیعه دفاع می‌کند و جای هیچ حرفی باقی نمی‌گذارد.

اما در مورد تصحیح نسخه‌های این اثر، همان طور که قبلاً ذکر شد، برخی باب‌های کتاب را علامه مجلسی در ضمن بحار الانوار آورده که آقای محمد باقر بهبودی تحقیق کرده است. کل کتاب را مؤسسه امام مهدی (عج) در قم تصحیح کرده است. این مجموعه، را محمد شریف الخادم به فارسی ترجمه کرده و «کفایة المؤمنین فی معجزات الائمة المعصومین» نامیده است. (نک: آقابزرگ، همانجا و نیز نک: ج ۱۸، ص۱۰۰) اخیراً نیز با نام «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم‌السلام» توسط غلامحسین محرمی ترجمه و در موسسه نشر اسلامی قم به چاپ رسیده است. (مدنی بجستانی، ج ۱، ص ۵۹۶)[1]

۱. در این کتاب، کل روایات، ترجمه نشده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

۱۵- وضع کنونی کتاب از حیث طبع و تصحیح

با معرفی برخی چاپ‌های کتاب «الخرائج و الجرائح» بحث را درباره این جامع‌روایی خاتمه می‌دهیم:[۱]

۱- چاپ سنگی، بمبئی، ۱۳۰۵ق، که حاوی منتخب کتاب «الخرائج» است.

۲- چاپ سنگی، ۱۳۰۱ق، که همراه با «اربعین» علامه مجلسی و «کفایة الأثر» خراز قمی چاپ شده است و در این چاپ تنها منتخب کتاب «الخرائج» به چاپ رسیده است.

۳- نسخه چاپی موسسهٔ الإمام المهدی علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق، در سه جلد و ۱۳۱۶ صفحه تحت نظر سیدمحمد باقر موحد ابطحی، همراه با تصحیح و تخریج مفصل احادیث.[۲]

در پایان یادآور می‌شود از این کتاب گاه با اسامی دیگری نظیر کتاب «المعجزات» یا کتاب «الخرائج» یاد می‌شود. (مدنی بجستانی، ج ۱، ص ۵۹۶)

نتیجه‌گیری

این کتاب که توسط عالمی ربّانی و متبحر در علوم زمانه در موضوع اثبات حقانیت نبوت و امامت معصومان علیهم‌السلام از منظر سنت به رشته تحریر درآمده، در زمره کتب متأخر شیعه است. با توجه به اصول حاکم بر جوامع حدیثی، در شمار جوامع‌روایی نسبی محسوب می‌شود و به دلیل اشتمال بودن بر انواع روایات و احادیث مربوط به اعجاز و نیز پاسخ‌گویی به شبهات وارده در این زمینه و با برخورداری از دقت، امانت و سلاست الفاظ، توانسته جایگاه علمی قابل قبولی میان کتب‌روایی مختلف پیدا کند و مرجع و ملجأ علمی و پژوهشی بسیاری از

۱. برای اطلاع بیشتر از جزئیات کتاب از حیث چاپ، نکـ طباطبایی، ص ۱۷.

۲. همین نسخه مرجع معرفی در این مقاله است.

علماء و دانشمندان در دوره‌های مختلف قرار گیرد.

منابع

۱. ابن جوزی، محمد علی. *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. هند: حیدرآباد، دائرة المعارف، ۱۳۵۹ق.

۲. ابن شهر آشوب، محمد علی. *معالم العلماء*. بی‌جا، بی‌تا.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*. تحقیق: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطابة و النشر و التوزیع، چاپ سوم،۱۴۱۴ق.

۴. اردبیلی، محمد بن علی. *جامع الرواة*. بی‌جا: مکتبة المحمدی، بی‌تا.

۵. انصاری قمی، حسن، *نکته‌ها و یادداشت‌ها*: کتابی از مکتب متکلمان معتزلی ری، *کتاب ماه دین*، سال ۱۳۸۵ش، خرداد، تیر و مرداد، ص ۷۵-۶۸.

۶. امین، سید محسن. *اعیان الشیعة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

۷. تهرانی، شیخ آقا بزرگ. *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. بیروت: دارالاضواء، بی‌تا.

۸. افندی، عبدالله بن عیسی، *تعلیقة امل الآمل*. تحقیق: سید احمد حسینی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.

۹. همو. *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: مطبعة الخیام، بی‌تا.

۱۰. انصاری قمی، حسن. *نکته‌ها و یادداشت‌ها: کتابی از متکب متکلمان معتزلی ری*، کتاب ماه دین، شماره: ۱۰۴ و ۱۰۶، ۱۳۸۵ش، ۶۸-۷۵.

۱۱. خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. بی‌جا: ۱۴۱۳ق.

۱۲. دوانی، علی. *مفاخر اسلام*. بی جا: مرکز فرهنگی قبله، ۱۳۷۲ش.

۱۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. *الملل و النحل*. تحقیق: علی فاعور، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.

۱۴. شهید ثانی، زیدالدین. *الدرایة*. طهران: المجمع العلمی الاسلامی(الاتحاد)، ۱۴۰۴ق.

۱۵. صدر، سید الحسن. *نهایة الدرایة*. تحقیق: ماجدالغرباوی، قم: نشر المشعر، بی‌تا.

۱۶. طباطبایی، سید عبدالعزیز. *نهج البلاغة عبر القرون(۷)- شروحه حسب تسلسل الزمنی*، مجله تراثنا، سال دهم، شماره: ۱ و ۲، ۱۴۱۵ق، ۱-۶۷.

۱۷. طوسی، محمد بن حسن. *الفهرست*. تحقیق: شیخ جواد قیومی، بی‌جا: موسسة نشر الفقاهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۱۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله. *الخرائج و الجرائح*. تحقیق: مؤسسة الإمام المهدی علیه‌السلام، قم:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]

موسسه امام مهدی(عج)، ۱۴۰۹ق.
۱۹. همو. *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*. تحقیق: عبدالطیف حسینی کوهکمری، قم: کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی نجفی، بی‌تا.
۲۰. لمبتون، ان. *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
۲۱. مجلسی، محمد باقر. *بحارالأنور الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: موسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۲. مدنی بجستانی، محمود. *فرهنگ کتب حدیثی شیعه*. تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ش.
۲۳. مدیر شانه‌چی، کاظم. *تاریخ حدیث*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی (سمت)، ۱۳۷۷ش.
۲۴. همو، *علم الحدیث*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷ش.
۲۵. معارف، مجید. *تاریخ حدیث*. تهران: کویر، چاپ دهم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. همو، *مباحثی در تاریخ حدیث*. تهران: نبأ، ۱۳۸۷ش.
۲۷. مؤسسه امام صادق علیه‌السلام. تحت نظر: سبحانی تبریزی، جعفر. *موسوعة طبقات الفقهاء*. قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۱۸ق.
۲۸. منتجب الدین، علی بن عبدالله. الفهرست. تحقیق: سید جلال الدین محدث أرموی، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۶۶ش.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی. *فهرست اسماء مصنفی الشیعة. (رجال نجاشی)*، قم: موسسة النشر الاسلامی التابعی لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۱۶ق.
۳۰. پایگاه اینترنتی "بررسی‌های تاریخی، مقالات و نوشته‌های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام" به آدرس "http://ansari.kateban.com/post/2041".

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.2.8]